

اثرگذاری سیاستهای مالی دولت بر رشد اقتصادی روستاها

عزت‌الله عباسیان*

پایه تئوریک:

براساس نظریه ضریب فزاینده (Multiplier) تغییر در مخارج مستقل تقاضای کل، تغییر بیشتری را در سطح درآمد ملی ایجاد می‌کند. زیرا به ازای هر واحد تغییر در مخارج مستقل، در مرحله نخست درآمد ملی یک واحد تغییر می‌کند که با توجه به اندازه میل نهایی به مصرف مقداری از آن درآمد، مصرف و مقداری نیز پس‌انداز می‌شود. آن قسمت از درآمد که به مصرف اختصاص می‌یابد برای افراد دیگری که فروشنده کالاهای مصرفی پیشگفته هستند نیز درآمد ایجاد می‌کند، سپس افرادی که این درآمد را به دست آورده‌اند با توجه به میل مصرفشان قسمتی از آن را مصرف و مقداری را پس‌انداز

می‌کنند. باز هم درآمد مصرف‌شده پیشگفته برای عده‌ای دیگر درآمد بوجود می‌آورد و این روند تا جایی ادامه دارد که به اندازه افزایش مخارج مستقل نظیر سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد دوبخشی، پس‌انداز نیز افزایش یابد، به عنوان مثال اگر ضریب فزاینده برابر $(k=5)$ باشد در آن صورت به ازای هر واحد تغییر در مخارج مستقل، درآمد ملی ۵ واحد تغییر خواهد کرد.

در سطح اقتصاد ملی با فرض وجود مالیاتهای ثابت $(T=T_0)$ ضریب فزاینده در شکل ساده آن به صورت زیر به دست خواهد آمد:

$$\frac{\Delta y}{\Delta G} = \frac{\Delta y}{\Delta I} = \frac{1}{1-b}$$

که در آن Δy تغییر در درآمد ملی، ΔI تغییر در سرمایه‌گذاری مستقل، ΔG تغییر در مخارج دولت و b میل نهایی به مصرف (MPC) می‌باشد. به گونه‌ای که اگر میل نهایی به مصرف برابر با ۸۰٪ باشد $(b=0/8)$. در آن صورت ضریب فزاینده مخارج مستقل برابر ۵ خواهد بود که نشان می‌دهد به ازای هر واحد تغییر در سرمایه‌گذاری مستقل و یا مخارج دولت، درآمد ملی ۵ واحد تغییر خواهد کرد.

بدین ترتیب ضریب فزاینده نشان‌دهنده قدرت و توانایی مخارج مستقل تقاضای کل در تغییر درآمد ملی است.

- ضریب فزاینده مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری

مطالعات انجام‌شده در خصوص تابع مصرف مناطق روستایی و شهری بیانگر آن است که میل نهایی به مصرف در مناطق روستایی ۷۱ درصد، و در مقابل میل نهایی به مصرف مناطق شهری ایران برابر ۷۲ درصد است. ۱ برآورد پیشگفته براساس درآمد قابل تصرف مناطق

اثرگذاری سیاستهای مالی دولت...

شهری و روستایی صورت گرفته است که در این صورت با فرض اینکه تمام کالاهای مورد نیاز خانوار شهری و روستایی در همان مناطق قابل خریداری و تهیه باشد ضریب تکاثر مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری خواهد بود زیرا:

$$K_{\text{روستایی}} = \frac{\Delta VR}{\Delta A} = \frac{1}{1 - \beta_0(1-t)} = \frac{1}{1 - 0.713} = 3.48$$

$$K_{\text{شهری}} = \frac{\Delta VU}{\Delta A} = \frac{1}{1 - \beta_1(1-t)} = \frac{1}{1 - 0.722} = 3.60$$

که در آن VR و Vu به ترتیب درآمد قابل تصرف مناطق روستایی و شهری است و A نیز مخارج مستقل می باشد.

ولی آمار و اطلاعات نشان می دهد که بیشتر کالاهای مورد نیاز خانوار روستایی بخصوص کالاهای غیرخوراکی از مناطق شهری قابل اکتساب است. به گونه ای که با افزایش درآمد یک خانوار در مناطق روستایی و افزایش مصرف آن تقاضایی برای خانوار روستایی دیگر ایجاد نمی شود زیرا در اغلب روستاها تمام خانوارها عرضه کننده کالاهایی همگن هستند که در این صورت امکان مبادله بین خانوارهای مناطق روستایی را منتفی می سازد.

با نگاهی به جدول شماره (۱) ملاحظه می شود که اغلب کالاهای غیرخوراکی خانوارهای روستایی اعم از پوشاک و کفش، سوخت و روشنایی، بهداشت و درمان، حمل و نقل، هزینه های تحصیلی، تفریحات و سرگرمیها، مبلمان و اثاثیه منزل، هزینه های منزل مسکونی و... و کالاهای دخانی و مقداری از کالاهای خوراکی خانوار روستایی نظیر قند و شکر، روغن نباتی، چای، ادویه جات، آشامیدنیها، غذاهای آماده، تنقلات و... از مناطق شهری تهیه می شود که به طور تقریبی بیش از ۷۰ درصد هزینه های خانوار روستایی را شامل می شود.

جدول شماره (۱): متوسط انواع هزینه‌های غیرخوراکی، خوراکی و دخانی یک خانوار شهری و

روستایی در هر یک از گروه‌های هزینه سالانه در سال ۱۳۷۳

روستایی	شهری	اقلام هزینه‌ها
۱۹۷۱۷۴۸	۴۱۹۹۲۵۳	غیرخوراکی: (جمع)
۴۹۵۵۷۹	۵۹۰۳۳۵	پوشاک و کفش
۵۶۸۶۰۸	۲۰۴۴۰۳۱	مسکن
۲۸۴۴۰۶	۴۲۴۳۶۰	لوازم، اثاثه ملزومات و خدمات خانوار
۱۸۴۲۲۴	۳۳۴۶۲۶	بهداشت و درمان
۱۹۵۰۰۵	۴۲۰۸۴۱	حمل و نقل و ارتباطات
۷۶۶۳۹	۱۸۵۸۷۲	تفریحات، سرگرمیها و خدمات فرهنگی
۱۶۷۲۸۷	۲۰۰۱۸۸	کالاها و خدمات متفرقه خانوار
۱۹۱۸۳۷۷	۲۰۴۳۲۰۷	خوراکی و دخانی: (جمع)
۴۹۸۶۲۰	۴۲۸۹۳۳	آرد، رشته، غلات، نان و فراورده‌های آن
۳۸۶۷۲۰	۴۸۰۰۸۱	گوشت
۲۱۷۵۷۹	۲۱۹۸۹۷	شیر و فراورده‌های آن و تخم پرندگان
۱۵۵۷۵۶	۱۴۰۹۱۸	روغن‌ها و چربیها
۲۱۵۱۳۵	۲۸۷۹۵۲	میوه‌ها و سبزیها
۷۶۹۸۲	۸۸۹۴۵	خشکبار و حبوبات
۲۳۲۰۷۲	۲۰۶۴۵۹	قند و شکر، شیرینیها، چای، قهوه و کاکائو
۲۹۶۸۰	۳۹۱۹۷	ادویه‌ها، چاشنیها و سایر ترکیبات خوراکی
۱۰۵۸۳۳	۱۵۰۸۲۵	نوشابه‌ها، غذاهای آماده و دخانیات

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۳

اثرگذاری سیاستهای مالی دولت...

از طرف دیگر خانوارهای شهری تنها قسمتی از نیازمندی خود که اغلب کالاهای خوراکی است را از مناطق روستایی تهیه می‌کنند. در این صورت انتظار می‌رود که ضریب فزاینده مخارج مستقل در مناطق روستایی به مراتب کمتر از آنچه که پیش از این محاسبه شده، می‌باشد و در مقابل ضریب فزاینده مخارج مستقل در مناطق شهری بیشتر از مقدار محاسبه شده قبلی است، زیرا افزایش مخارج مستقل در مناطق روستایی ممکن است به اندازه همان مخارج انجام شده برای خانوارهای روستایی درآمد فراهم کند ولی مخارج خانوارهای دریافت‌کننده درآمد برای روستاییان دیگر درآمد قابل ملاحظه‌ای را بوجود نمی‌آورد و اغلب مخارج پیشگفته منجر به افزایش درآمد خانوارهای شهری خواهد شد.

البته در صورت وجود عرضه‌کنندگان و واحدهای تولیدی متعدد عرضه‌کننده کالاهای غیرهمگن در مناطق روستایی این امکان بوجود می‌آید که درآمدهای به دست آمده خانوارهای روستایی دیرتر از روستا خارج و شرایط گردش درآمد فراهم شود.

پراکندگی روستاها در کل کشور عامل دیگری است که اثر تکاثری مخارج مستقل را در مناطق روستایی کشور کاهش می‌دهد، به گونه‌ای که اگر امکان تولید کالاهای مورد نیاز یک روستا در روستای دیگر وجود داشته باشد به دلیل پراکندگی امکان مبادله بین آنها فراهم نمی‌شود، بلکه مناطق شهری مانند گذشته محل ارتباط بین روستاییان مختلف است.

نوع کالاهای عرضه‌کنندگان روستایی و شهری نیز به گونه‌ای است که تأثیر کاهنده بر ضریب فزاینده مناطق روستایی دارد. اغلب کالاهایی که خانوارهای روستایی عرضه می‌کنند شامل کالاهای خوراکی است که از لحاظ درآمدی بسیار کم‌کشش است. پایین بودن کشش درآمدی کالاهای عرضه‌شده روستاییان به شهروندان ضریب فزاینده مناطق شهری را آنچنان کاهش نمی‌دهد ولی در مقابل کالاهای عرضه‌شده خانوارهای شهری به روستاییان اغلب شامل کالاهای غیرخوراکی است که از لحاظ درآمدی دارای کشش درآمدی بیشتر نسبت به کالاهای خوراکی است که در این صورت با افزایش درآمد خانوارهای روستایی میل به خرید از مناطق شهری به نسبت افزایش خواهد یافت، که این افزایش موجب کاهش شدیدتر ضریب فزاینده مخارج مستقل

در مناطق روستایی خواهد شد.^۱

به منظور آزمون این فرضیه که مخارج مستقل به دلیل پایین بودن ضریب فزاینده مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری تأثیر چندانی در رشد اقتصادی مناطق روستایی نداشته بلکه رشد بیشتر را در مناطق شهری فراهم می‌کند و به شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی می‌افزاید برآورد زیر انجام می‌شود.

- برآورد ضریب فزاینده مخارج دولتی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و سایر بخشهای اقتصادی:

به منظور نشان دادن ضریب فزاینده مناطق شهری و روستایی از متغیر ارزش افزوده بخش کشاورزی به عنوان متغیر جانشین درآمد مناطق روستایی، و از ارزش افزوده سایر فعالیت‌های اقتصادی به عنوان درآمد مناطق شهری استفاده کرده‌ایم، سپس هر یک از متغیرهای مذکور را تابعی از مخارج دولت، به عنوان یکی از متغیرهای مخارج مستقل طرف تقاضا، در نظر گرفته و معادلات پیشگفته با استفاده از مشاهدات آماری مربوط به سالهای ۱۳۳۸-۱۳۷۲ (شمسی) به صورت زیر برآورد شده است:

$$VA = 917/8 + 0/68G \quad R^2 = 0/84$$

$$(t) \quad (4/4) \quad (4/7) \quad F=174$$

$$(GDP-VA) = 2323/4 + 3/75G \quad R^2 = 0/84$$

$$(t) \quad (5/7) \quad (13/2) \quad F=174$$

که در معادلات فوق VA نشان‌دهنده ارزش افزوده بخش کشاورزی، GDP تولید ناخالص داخلی و G مخارج دولتی است.

برآوردهای پیشگفته نشان می‌دهد که مخارج دولتی تأثیر بسیار ناچیزی بر روی ارزش افزوده بخش کشاورزی دارد ولی در مقابل بر روی ارزش افزوده سایر بخشها تأثیر قابل ملاحظه

اثرگذاری سیاستهای مالی دولت...

گذاشته است، به عبارت دیگر سیاست مالی انبساطی دولت موجب افزایش شکاف درآمدی بین مناطق روستایی و شهری می‌شود.

بدین ترتیب سیاستهایی که موجب افزایش تقاضای کل در جامعه می‌شود اعم از سیاست پولی و مالی رشد اقتصادی را در روستاها فراهم نمی‌کند زیرا فعالیتهای اقتصادی در روستا (کشاورزی) به دلیل قرار گرفتن در شرایط نزدیک به بازار رقابت کامل در اشتغال کامل به سر می‌برد، که در این صورت به منظور فراهم کردن رشد اقتصادی در مناطق روستایی باید سیاستهایی که سطح اشتغال کامل را تحت تأثیر قرار می‌دهد به کار گرفت که از جمله آنها می‌توان به افزایش و بهبود سطح تکنولوژی و آموزش نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری عوامل اشاره کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

پیشنهادها و نتایج به دست آمده از این تحقیق را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. به منظور به گردش درآوردن پول در مناطق روستایی و افزایش ضریب فزاینده ضروری است که صنایع کوچک مکمل و ناگسسته از فعالیت کشاورزی را گسترش داده و در تولید محصولات کشاورزی مناطق روستایی تنوع ایجاد کرد. کشت محوری در روستا و تک‌محصولی کردن آن ضریب فزاینده مناطق روستایی را کاهش می‌دهد.
۲. به منظور هدایت یا گردش و به جریان انداختن درآمدها در مناطق روستایی لازم است بتدریج کالاهایی که از لحاظ درآمدی دارای کشش بیشتری است جایگزین کالاهای کم‌کشش از لحاظ درآمدی شود. در صورتی که مناطق روستایی کالاهایی با کشش درآمدی بالاتر را تولید کند در آن صورت انتظار می‌رود که با افزایش درآمد در مناطق شهری سهم بیشتری از درآمد صرف خرید کالاهای روستایی شود و رشد درآمدها به مناطق روستایی انتقال یابد.
۳. متمرکز کردن روستاها و جلوگیری از پراکندگیها امکان عرضه خدمات و کالاها در مناطق مذکور را فراهم می‌کند که در این صورت انتظار می‌رود ضریب فزاینده افزایش یابد.
۴. به منظور جبران فرار سرمایه از مناطق روستایی به مناطق شهری لازم است بانکهای

تجاری درصدی از سپرده‌های خود را به طور قانونی در اختیار بانک کشاورزی و یا فعالیتهای روستایی قرار دهند تا از عقب‌ماندگی مناطق روستایی جلوگیری به عمل آید.

۵. سیاستهای اقتصادی که طرف تقاضای کل را در مناطق روستایی تحت تأثیر قرار می‌دهد قادر به ایجاد رشد اقتصادی قابل ملاحظه نخواهد بود. آنچه که امکان رشد در مناطق روستایی را افزایش می‌دهد شامل سیاستهایی است که طرف عرضه کل مناطق روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که از میان آنها می‌توان به افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق ارائه آموزشهای کاربردی، تحقیق و بررسی در زمینه بهبود سطح تکنولوژی مناسب مناطق روستایی، تحقیق و بررسی در زمینه انتخاب بذر و نژادهایی که بازده فعالیتهای تولیدی را افزایش دهد و غیره اشاره کرد.

منابع و مأخذ:

- ۱- برانسون، ویلیام، تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان، ترجمه: عباس شاکری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۲
- ۲- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار روستایی، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۳
- ۳- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار شهری، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۳
- ۴- مهرگان، نادر، نگاهی به وضعیت هزینه و درآمد خانوار روستایی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، شماره ۷۰، اسفند ۱۳۷۱.
- ۵- مهرگان، نادر- رشد بخش کشاورزی و توزیع درآمد، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۳ و ۹۴، تیرماه ۱۳۷۴
- ۶- میردال، گونار، تئوری اقتصادی و کشورهای کم‌رشد، ترجمه: غلامرضا سعیدی، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۴۹
- ۷- وهابی، بهرام، محاسبه و تحلیل اریب در برآورد تابع مصرف جمعی در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، ۱۳۷۰